

خبرنامه موسسه توانمندسازی مهروماه سال ۱۳۹۹



..

مهروماه..... ۴

مهروماه در بلوچستان..... ۱۱

کودکان..... ۱۶

زنان و خانواده..... ۲۳

گزارش تصویری..... ۲۷

هیئت تحریریه:

سمانه گلاب

افسانه جلیلیان

شهلا ریاضتی

مریم مرندیان

سحر قدوسی

مدیر اجرایی:

آرزو دیداری

صفحه آرا:

بهناز شعبان زاده

عکاسان:

مهتاب قنبرزاده

هلیا فراهانی

زهرا صادقی

و سایر همیاران موسسه

**آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به
فردا در دلشان زنده شده است.**

سال ۱۳۹۹ سالی ویژه برای مردم ایران و به‌ویژه گروه‌های کمتر برخوردار بود. سالی که شیوع ویروس کرونا بسیاری از مشاغل به ویژه مشاغل خدماتی را تحت تأثیر منفی قرار داد و خانوارهایی که پیش از این به سختی حداقل‌های زندگی را تأمین می‌کردند از یک طرف با کاهش درآمد روبه‌رو شدند و از طرف دیگر با چند برابر شدن هزینه‌ای پایه‌ای زندگی مواجه بودند. در چنین وضعیت نامطلوبی به ویژه زمانی که متولیان امر نتوانستند مسئولیت خود را در قبال افشار آسیب‌پذیر ایفا کنند این سازمان‌های مردم‌نهاد بودند که تلاش کردند چتری حمایتی برای گروه‌های در معرض آسیب یا آسیب‌دیده فراهم کنند. در حالی که سیاست‌های آموزشی در دوران کرونا به سمت مجازی کردن کامل روند آموزشی پیش رفت، هیچ تمهیدی برای کودکانی که امکان دسترسی به آموزش مجازی را نداشتند دیده نشد و اگر نبودند نهادهای حامی کودک چه بسا امروز با موج سهمگین‌تری از بازماندگی از تحصیل روبه‌رو بودیم. در حوزه حمایت‌های کالایی و مادی در حالی که حتی اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد سیاست‌های حمایتی متنوعی را اجرا کردند در ایران شاهد هدف‌گذاری‌های نادرست سیاست‌های حمایتی بودیم و باز هم این گروه‌های کوچک مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد بودند که بخشی از بار حمایتی را بر عهده گرفتند. با تمام این اقدامات سال ۱۳۹۹ را شاید بتوان سال فجایع نامید؛ سالی که در آن خبر خودکشی کودکان بارها از رسانه‌ها شنیده شد، سالی که در آن نزدیک به ۳,۵ میلیون کودک از آموزش بازماندند، سالی که در آن بنا بر آمارهای رسمی نزدیک به یک سوم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار گرفتند و سالی که تبلیغات رسمی و غیررسمی در راستای کم‌رنگ کردن معضل کار کودک و کاهش سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد پیش برده شد.

مهرماه در سال ۱۳۹۹ مجموعه فعالیت‌های خود را در چنین فضایی شکل داد. در شرایطی که کرونا بسیاری از فعالیت‌ها را تعطیل کرده بود و بسیاری از افراد برای حفظ سلامت، خانه را به عنوان محل فعالیت انتخاب کردند، همکاران موسسه در تمامی بخش‌ها بیش از پیش فعال شدند تا بتوانند به سهم خود گذار از این شرایط سخت را برای جامعه هدف موسسه آسان‌تر کنند. تهیه تجهیزات آموزش مجازی برای کودکان و حمایت از آنها برای تأمین نیازهای آموزشی، تهیه وسایل بهداشتی و معیشتی برای خانوارها، ارائه مشاوره و آموزش‌های گوناگون به خانواده‌ها و کودکان برای عبور از بحران و حمایت از خانوارها برای حضور در بازار کار بخشی از فعالیت‌های موسسه در سال ۱۳۹۹ بود.

همچنین مهرماه در این سال فعالیت خود را در منطقه بلوچستان گسترش داد و از طریق پیوند با نیروهای محلی، در جهت توان‌افزایی و ایجاد و گسترش سه کارگاه خیاطی، سوزن‌دوزی و تولید صابون در منطقه سرباز گام برداشت. حضور در این خطه زیبای کشور جلوه‌هایی عمیق از فقر و درعین حال توانمندی نیروهای محلی را پیش روی ما گذاشت؛ توانایی‌های بالقوه‌ای که با حمایت‌های هدفمند می‌تواند بروز و ظهور یابد و گامی اساسی در بهبود وضعیت این منطقه از کشور باشد.

امیدواریم در آینده نیز در کنار هم بتوانیم این روند را ادامه دهیم و آگاهیم تا زمانی که مسئولان امر تغییری در روندهای فعلی ایجاد نکنند با تمام تلاش‌ها روزبه‌روز بر دامنه و عمق معضلات افزوده خواهد شد.

افخم صباغ

مدیرعامل

یک سال، یک نگاه

سال ۱۳۹۹ سالی ویژه برای عموم مردم و البته سازمان‌های مردم نهاد بود. فشار اقتصادی ناشی از بیکاری و تورم بیش از پیش وضعیت اقتصادی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داد و سخت شدن شرایط اقتصادی به افزایش تنش در خانواده‌ها انجامید. افزایش آسیب‌های اجتماعی که در جامعه کوچک تحت پوشش مهرماه شاهد بودیم، می‌تواند نشانی از این وضعیت در سطح کلان باشد. مهرماه که از بدو تأسیس تاکنون تمرکز اصلی خود را در سه حوزه آموزش، توانمندسازی و خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی قرار داده است در هر سه حوزه این فعالیت‌ها کاملاً تحت تأثیر شرایط جدید شیوع بیماری قرار گرفت. در حوزه آموزش، مجازی شدن فعالیت‌های آموزشی چالشی بود که هم دانش‌آموزان و خانواده‌ها را درگیر کرد و هم مربیان ملزم به برنامه‌ریزی دوباره برای مواجهه با شرایط جدید بودند. نبود امکانات حداقلی مانند گوشی هوشمند، اینترنت و مکانی برای آموزش در خانه از جمله محدودیت‌های جدیدی بود که کودکان به ویژه کودکانی که در شرایط محرومیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارند را دچار مشکل می‌کرد و وضعیت آموزشی آنان را تحت تأثیر قرار می‌داد. متأسفانه سیاستگذاری در حوزه آموزش نیز به گونه‌ای بود که کمترین توجه به وضعیت کودکانی که در محرومیت قرار دارند، نداشت. در این شرایط این موسسات مردم‌نهاد بودند که بار دیگر تلاش کردند به سهم خود بخشی از نارسایی‌ها را جبران کنند و نگذارند کمبود و در مواردی نبود امکانات حداقلی برای آموزش مجازی باعث جا ماندن کودکان از تحصیل شود.

رکود حاکم بر اقتصاد که با شیوع کرونا شدت پیدا کرد نیز باعث افزایش بیکاری سرپرستان خانوار شد و در بخش کارآفرینی ایجاد اشتغال و شرایط عرضه محصولات تولیدی با موانع جدی روبه‌رو شدند. در نهایت این خانواده‌ها بودند که با چالش‌های اقتصادی و غیراقتصادی جدی و عمیق‌تری مواجه شدند که این موضوع فعالیت حوزه مددکاری اجتماعی و روانشناسی موسسه را دو چندان کرد. با این حال و با تمامی این مشکلات ما در مجموعه مهرماه تلاش کردیم سال ۱۳۹۹ نیز در کنار کودکان و خانواده‌های منطقه فرحزاد باشیم و همراه با آنها این سال پرمشقت را با آسیب کمتری پشت سر بگذاریم. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی کوتاه از اقدامات مهرماه در سال ۱۳۹۹ است. در صورتی که همراهان تمایل دارند جزئیات بیشتر و دقیق‌تری از فعالیت موسسه داشته باشند می‌توانند به گزارش عملکرد سال ۱۳۹۹ مراجعه کنند.

آموزش

فعالیت‌های آموزشی مهرماه به طور کلی در چهار حوزه پیش‌دبستانی، حمایت تحصیلی از کودکان مشغول به تحصیل در مدارس دولتی، آموزش کودکان بازمانده از تحصیل رسمی و سوادآموزی دنبال می‌شود. به دلیل شیوع کرونا بیشتر فعالیت‌های آموزشی موسسه به صورت مجازی برگزار شد و تنها در دوره‌ای که شرایط محیطی اجازه می‌داد و در موارد لزوم برخی جلسات با تعداد کم دانش‌آموزان به صورت حضوری و با رعایت اصولی بهداشتی پیش برده شد.

پیش دبستانی: با شیوع کرونا کمیته پیش دبستانی مهرماه در اولین گام و طی یک اقدام فشرده کودکانی را که دسترسی به تلفن همراه و اینترنت نداشتند شناسایی کرد و تلاش شد امکانات لازم برای آنها فراهم شود. در نتیجه این تلاش از ۷۰ کودک ثبت نام شده در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ جمعاً ۶۰ نفر توانستند به صورت مجازی آموزش‌ها را دریافت کنند. در تابستان ۹۹ برای ۱۰ کودکی که امکان حضور

در کلاس مجازی را نداشتند و کودکانی که نتوانسته بودند در کلاس‌های مجازی هم‌پای دیگر کودکان آموزش ببینند، کلاس‌های حضوری با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار گردید و آموزش‌های لازم برای آمادگی ورود این کودکان به مدرسه ارائه شد. از این تعداد در نهایت اکثریت کودکان توانستند در پایه اول در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند و ۶ کودک نیز در مهرماه آموزش پایه اول را شروع کردند.



در نیمه شهریورماه کودکان جدید مهمان پیش‌دبستانی مهرماه شدند و کلاس‌های پیش‌دبستانی با ۷۹ نفر فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد. آموزش‌ها در هفته دوم شهریور به شکل حضوری آغاز شد تا ارتباط موثر اولیه بین کودکان و مربیان شکل بگیرد. علاوه بر این جلسات آموزشی برای مادران برگزار شد تا آنها نیز بتوانند در خانه همراه مربیان در آموزش کودکان فعال شوند. علاوه بر فعالیت در گروه‌های مجازی، دو بار در هفته به صورت منظم با کودکان تماس‌های تصویری برقرار می‌شد که کمک کرد کودکان در دوره آموزشی مجازی فعال باقی بمانند.

حمایت تحصیلی: هرچند هر ساله در ابتدای سال تحصیلی سخنان بسیاری از مسئولان در خصوص آموزش رایگان شنیده می‌شود اما واقعیت این است که برخورداری از پایه‌ای‌ترین آموزش‌ها در ایران تنها با صرف هزینه برای خانوارها ممکن است. همین موضوع هر ساله باعث ترک تحصیل تعداد قابل توجهی از کودکان و بازماندن آنها از تحصیل شده است. با توجه به این واقعیت مهرماه طرح حمایت تحصیلی را در سال‌های گذشته راه‌اندازی کرد و به همت حامیان موسسه در سال ۱۳۹۹ تعداد ۲۲۸ کودک (۱۳۰ نفر در مقطع ابتدایی و ۹۸ نفر در مقطع متوسط اول و دوم) تحت پوشش قرار گرفتند. هرچند بحران کرونا بر طرح حمایت تحصیلی نیز بی‌تأثیر نبود. دسترسی کم کودکان به تجهیزات آموزش مجازی از یک طرف و کیفیت پایین آموزش‌های آنلاین در مدارس دولتی از طرف دیگر باعث شد تمایل به ترک تحصیل در کودکان به ویژه پسران افزایش یابد. ما در مهرماه تلاش کردیم با اقداماتی مانند برنامه‌ریزی و مدیریت دسترسی همه کودکان



طرح به گوشی‌های هوشمند، تهیه و اهدای گوشی هوشمند، اهدای بسته‌های اینترنتی برای استفاده در ساعات درسی، و امکان استفاده از گوشی، تبلت و لپ‌تاپ‌های موجود در موسسه این روند را محدود کنیم.

مجازی‌شدن آموزش‌ها به ویژه سطح پایین آموزش مجازی در

مدارس دولتی باعث شد کودکان بسیاری نتوانند در طول سال تحصیلی از طریق مدرسه آموزش‌های لازم را داشته باشند. به همین دلیل طبق روال هر ساله کلاس‌های تقویتی برای کودکان تحت پوشش طرح حمایت تحصیلی در نظر گرفته شد. هرچند به دلیل رعایت نکات بهداشتی این کلاس‌ها نیز مجازی بود اما به کودکان کمک کرد تا بخشی از نارسایی‌های آموزش مجازی رسمی را جبران کنند. طی سال ۱۳۹۹ تعداد ۳۰ کودک در کلاس زبان، ۱۱۷ کودک در کلاس تقویتی ریاضی (از پایه اول ابتدایی تا پایان دوره متوسطه دوم)، ۱۴ کودک در کلاس کتابخوانی پایه دوم و سوم دبستان و ۱۲ کودک در کلاس فارسی اول ابتدایی شرکت کردند. کلاس‌های آمادگی برای کنکور نیز برای نوجوانانی که خود را برای حضور در دانشگاه آماده می‌کنند برگزار شد. همچنین در این مدت و در دوره‌هایی که شرایط شیوع کرونا محدود شده بود کلاس‌های دو یا سه نفره برای حل مشکلات درسی کودکان تشکیل شد. با وجود تمامی این تلاش‌ها کرونا آثار عمیقی بر آموزش این کودکان و ترک تحصیل برخی از آنها داشته است. امیدواریم در سال‌های بعد این اشکالات در سیستم آموزشی کم‌رنگ‌تر شود.

بازمانده از تحصیل: متأسفانه طی دو سال گذشته شاهد افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در محله فرحزاد بودیم. هرچند در تابستان همکاران مهرماه در تمام بخش‌ها تلاش می‌کنند تا کودکان بتوانند در مدارس ثبت‌نام کنند اما در نهایت کودکانی هستند که به دلایل مختلف از جمله کبر سن، نداشتن اوراق هویتی و در مواردی اجبار به کار از تحصیل بازماند می‌مانند و تعداد آنها رو به افزایش است. سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تعداد ۶۵ دانش‌آموز از طریق موسسه با همکاری مدرسه رهیار در پروسه آموزش قرار گرفتند اما با شیوع کرونا امکان حضور کودکان در مدرسه نبود و در نتیجه در سال ۹۹

فعالیت‌ها به‌روشنی مجازی ادامه پیدا کرد. مربیان کودکان بازمانده از تحصیل در کنار سایر همکاران موسسه تمام تلاش خود را به کار بردند تا این کودکان که سخت‌ترین شرایط را در بین کودکان موسسه دارند از آموزش بازمانند. با مجازی شدن آموزش‌ها، در موارد ضروری برای تعدادی از دانش‌آموزان آموزش از طریق تماس تلفنی دنبال شد



چراکه گوشی مناسب برای استفاده از فضای مجازی نداشتند. در تابستان نیز برای جبران کلاس‌های مجازی کلاس‌هایی با تعداد محدود دانش‌آموز برگزار شد که به ارتقای آموزش کودکان کمک شایانی کرد. با آغاز سال جدید تحصیلی ۷۸ کودک دیگر وارد پروسه آموزش کودکان بازمانده شدند که ۴۲ نفر از آنها در پایه اول ابتدایی بودند. ارتباط گرفتن مجازی با این کودکان سخت‌تر بود به ویژه که برخی از آنها یاد نگرفته بودند با وسایل هوشمند متناسب با آموزش کار کنند. با مشاوره همکاران مهرماه کم‌کم این کودکان نیز توانستند آموزش مجازی را پی بگیرند. ارتباط خوب کودکان با مربیان آنها باعث شد آموزش مجازی در سال ۱۳۹۹ بدون وقفه ادامه پیدا کند.

سوادآموزی: شاید یکی از بخش‌هایی که بیشترین آسیب را از شیوع کرونا دید بخش سوادآموزی بود. در نیمه دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ از ۱۳۱ نفر سوادآموزی که در موسسه مشغول به تحصیل بودند، با وجود پیگیری‌های فراوان تنها ۵۳ نفر در کلاس‌ها باقی ماندند.



خانواده‌هایی که تنها یک گوشی موبایل یا تبلت در خانه داشتند یا قادر به پرداخت هزینه اینترنت نبودند ترجیح می‌دادند امکانات حداقلی‌شان صرف آموزش فرزندان شود و در نتیجه مادران آموزش خود را در اولویت دوم قرار می‌دادند. بحران اقتصادی و شرایط سخت درون خانواده‌ها در

کنار اجاره نشینی و تغییر دائم محل سکونت از عوامل دیگری بود که ماندگاری زنان سوادآموز را در کلاس‌ها کمتر می‌کرد. با این حال سوادآموزی زنان برای سال تحصیلی جدید پیگیری شد و ۷۹ نفر در این دوره‌ها شرکت کردند. برای زنانی که برای نخستین بار در کلاس‌های سوادآموزی شرکت می‌کردند در چند جلسه به صورت حضوری نکاتی آموزش داده شد و سپس آموزش‌ها به صورت مجازی ادامه پیدا کرد. به گفته مادران حاضر در این طرح، حضور آنها در کلاس‌ها باعث افزایش مشارکتشان در پیگیری وضعیت درسی و تحصیلی کودکان و افزایش آگاهی و نظارت بر حضور کودکان در فضای مجازی، شده است. علاوه بر این در سال ۱۳۹۹ یکی از مردان عضو مهروماه نیز خواهان شرکت در دوره‌های سوادآموزی بود که برای ایشان نیز کلاس‌های خصوصی برگزار شد.

مددکاری اجتماعی و روانشناسی



از جمله فعالیت‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در مناطق پرآسیب دنبال می‌کنند ارائه خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی است. شدت آسیب‌های جامعه هدف در فرحزاد به اندازه‌ای بوده است که این حوزه از فعالیت‌ها را به یکی از ارکان مهم خدمات مهروماه تبدیل کرده است. فعالیت‌های مددکاری اجتماعی و روانشناسی موسسه را می‌توان در چند حوزه تقسیم‌بندی کرد. حوزه نخست مربوط به شناخت افراد و پیگیری وضعیت آنهاست. در همین راستا در سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۴۱ مصاحبه اولیه، ۴۱ تشکیل پرونده و ۲۳۲ مورد بازدید از منزل، انجام شد. حوزه دیگر فعالیت‌های مددکاری اجتماعی و روانشناسی، ارتباط با سایر واحدهای موسسه است. برای این هدف هریک از همکاران موسسه در هر حوزه‌ای متوجه نیاز یکی از اعضا به خدمات جانبی شوند، این موضوع را به کمیته مددکاری اجتماعی

و روانشناسی ارجاع می‌دهند. تعداد ۱۹۷ ارجاع از کمیته‌ها در سال ۱۳۹۹ نتیجه همین ارتباط بود. انجام ۷۲۱ مشاوره روانشناسی، ۵۳۶ مشاوره مددکاری، ۱۶۹ مشاوره گروهی، ۶ مشاوره حقوقی و ۶۷ مشاوره بهداشت زنان از دیگر فعالیت‌های این حوزه است.

علاوه بر اقدامات فوق اعضای کمیته با بررسی شرایط افراد در صورتی که نیاز به آموزش حرفه یا اشتغال داشته باشند هماهنگی‌های لازم را با واحدهای درون موسسه یا نهادهای بیرونی انجام می‌دهند. معرفی ۱۷ نفر برای حرفه‌آموزی، معرفی ۵۷ نفر برای کار که در نهایت ۱۹ نفر آنها موفق به پیدا کردن شغل شدند، پرداخت وام اشتغال برای ایجاد شرایط کار در خانه بخشی از عملکرد این حوزه در سال ۱۳۹۹ است.

هرچند تقریباً تمامی کودکان تحت پوشش موسسه در شرایط دشواری زندگی می‌کنند اما در این میان کودکان کار شرایط ویژه‌تری دارند. در سال ۱۳۹۹ در مجموع ۷۷ کودک کار تحت پوشش موسسه بودند. حمایت‌های صورت گرفته توسط موسسه باعث شده است که هم ساعات کار کودکان کاهش پیدا کند و هم تعدادی از آنها از چرخه کار خارج شوند. علاوه بر این تلاش شده برای کودکانی که مجبور به کار هستند، با کارفرمایان آنها ارتباط گرفته شود تا شرایط محیط کار این کودکان تحت نظر قرار گیرد، ۴۱ مورد ارتباط با کارفرما در همین راستا صورت گرفته است. با وجود تمام این تلاش‌ها اما به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی همچنان بر تعداد کودکان کار افزوده می‌شود.

متأسفانه در سال‌های اخیر با افزایش فشار اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی نیز بیشتر شده است. مهروماه در راستای فعالیت خود در سال ۱۳۹۹ در ۱۷ مورد ملزم به مداخله در بحران بود تا از وقوع اتفاقات تلخ جلوگیری شود. در نهایت اینکه در سال ۱۳۹۹ در موارد متعددی حمایت‌های کالایی و نقدی نیز از خانواده‌ها انجام گرفت تا بتوانند این شرایط را با آسیب اقتصادی کمتری پشت سر بگذارند.

کمیته کارآفرینی

کودکان از چرخه کار خارج نخواهند شد جز با رهایی از فقر خانواده، زنان حقوق خود را در خانه به دست نخواهند آورد جز با توانمند شدن و خانواده‌ها زیر بار سنگین تأمین معیشت کمر صاف نخواهند کرد مگر با مشارکت و همکاری زنان و مردان در تأمین هزینه‌های



زندگی و تقسیم مسئولیت‌ها در خانه. در یک کلام باید گفت توانمندسازی زنان گامی اساسی و غیرقابل حذف در سیاستگذاری‌های خانواده‌محور است. بر اساس همین تحلیل نیز کمیته کارآفرینی مهروماه فعالیت خود را آغاز کرد و این فعالیت تا امروز ادامه دارد. در حوزه کارآفرینی علاوه بر کلاس‌های حرفه‌آموزی، شرایطی برای کاربایی زنان فراهم شده و موسسه نیز با دریافت سفارش برای کارهای تولیدی زنان به بازاریابی محصولات آنها کمک می‌کند. شرایط ویژه سال ۱۳۹۹ این حوزه فعالیت‌های

موسسه را نیز به نوبه خود تحت تأثیر قرار داد. در این سال کلاس‌های آموزشی خیاطی تعطیل شدند اما آموزش چرخ صنعتی فعالیت خود را ادامه داد. کلاس‌های آموزش چرم‌دوزی نیز زمانی که وضعیت شیوع بیماری بحرانی نبود برگزار شد. در نهایت ۱۱ نفر در کلاس‌های چرخ صنعتی و ۱۱ نفر در دوره‌های چرم‌دوزی شرکت کردند.

در بخش تولید، کارگاه مهرومه با رعایت شرایط بهداشتی فعالیت خود را ادامه داد و شش نفر از زنان موسسه در کارگاه فعالیت کردند. در این دوره تلاش بر این بود که شرایط اشتغال در خانه برای زنان فراهم شود که در نتیجه آن برای خرید چرخ صنعتی به ۵ نفر از زنان کمک شده و این گروه در حال حاضر در خانه مشغول فعالیت هستند، سه نفر نیز جذب بازار کار شده‌اند.

بخش صنایع دستی مهرومه نیز در این مدت فعال بود و زنان توانستند در کنار مهرومه هنر بومی خود را به کالایی برای عرضه در بازار تبدیل کنند و از آن کسب درآمد کنند. پیشرفت این زنان به قدری چشمگیر بود که در سال ۹۹ تعداد ۱۰ نفر در بخش سوزن‌دوزی و ۳ نفر از بخش پته‌دوزی جذب بازار کار شدند. ۴۵ نفر نیز در منزل به صورت موردی مشغول به فعالیت هستند.



بخش مهرچین در این سال با قدرت به کار خود ادامه داد و ۱۸ نفر از زنان مهرومه در دوره‌های مهرچین آموزش لازم در حوزه آشپزی و تهیه مواد اولیه را دیدند همچنین این بخش به صورت فعال‌تر از قبل در حوزه گرفتن سفارش از مخاطبان و تهیه غذا وارد عمل شد و از این طریق زنان و دختران فعال مهرچین به بازار کار خود متصل شدند. در بخش سنگ‌تراشی نیز دو نفر از زنان مهرومه با آموزش دوره‌های حرفه‌ای این توانایی را پیدا کرده‌اند که بیرون از موسسه با فعالان این حوزه در بازار کار همکاری داشته باشند. هدف ما همواره بر این بوده که این زنان بتوانند آموزش لازم را ببینند، خود را توانمند کنند و بتوانند به صورت مستقل فعالیت داشته باشند.

خانه فرهنگ و هنر

شادی حقی همگانی است، این شعار ما در خانه فرهنگ مهرومه است جایی که قرار است زنان و کودکان ساعاتی را به دور از تنش‌های روزانه صرف پرورش استعدادهای خود کنند، کتاب بخوانند، ورزش کنند، کار گروهی را تمرین کنند و ساعاتی خوش داشته باشند. هرچند امسال فقط در شرایط زرد کرونایی امکان برگزاری اردوهای تفریحی و آموزشی فراهم بود اما فعالیت‌های دیگر خانه فرهنگ به صورت مجازی ادامه پیدا کرد. حضور ۴۸ نفر در طرح بامن بخوان و برنامه‌های ترکیبی که برای آموزش پیش‌دستانی برنامه‌ریزی شده بود، ۱۸ نفر

در طرح کتابخوانی، ۵۰ نفر در کلاس مجازی سرود، ۴۴ نفر در کلاس مجازی نقاشی و ۷ نفر در کلاس مجازی موسیقی نتیجه چراغی بود که با تلاش همراهان در خانه فرهنگ روشن نگه داشته شد. همچنین در سال ۹۹ مسابقات شطرنج به صورت آنلاین برگزار شد و کودکان مهرماه موفق به کسب رتبه در این مسابقات شدند. گروه نقد کتاب مهرماه نیز مثل هر سال فعال و پرانرژی بود و دو نفر از دختران موسسه در جشنواره مهرکتاب که به صورت وینار برگزار شد، به عنوان مجری شرکت کردند.

آنچه بیان شد بخشی از فعالیت مهرماه در سال ۱۳۹۹ بود؛ فعالیتی که بی‌شک بدون حضور، پشتیبانی و همراهی حامیان و حضور همکاران در موسسه ممکن نبود. این سال نیز در کنارمان بودید و از این بابت به خود می‌بالیم و راهمان را با اعتماد به بودن شما ادامه می‌دهیم.



یک سال در بلوچستان

در دی ماه ۱۳۹۸ منطقه بلوچستان گرفتار فاجعه‌ای بزرگ شد؛ سیلی خانمان برانداز که وضعیت زندگی مردم محروم این منطقه را سخت تر از پیش ساخت. مهروماه با توجه به مأموریت خود تلاش کرد در این منطقه حضور داشته باشد و به گروهی از هموطنان خود یاری رساند.



بر این اساس مهروماه پس از مرحله امداد و نجات فعالیت خود را در منطقه آغاز کرد.

هرچند فعالیت‌های اولیه مهروماه متناسب با وضعیت موجود به امور حمایتی اختصاص داشت اما موسسه هم‌زمان پویش همیاری با صندوق‌های کارآفرینی را زیر عنوان پروژه «همای مهر و ماه» آغاز کرد. نتیجه اولیه این پویش تهیه چهار چرخ خیاطی صنعتی و مواد اولیه کارگاه تولید صابون بود. در نهایت دو کارگاه تولید صابون و خیاطی هردو با تلاش مهروماه و مشارکت و همیاری نیروهای محلی راه‌اندازی شد که تا امروز فعالیت

می‌کنند. مسئول تولید و سرپرست کارگاه تولید صابون از زنان توانمند روستانشین است که با مدرک کارشناسی ارشد شیمی دانش لازم برای این مسئولیت را داراست و در عین حال که مادر سه فرزند و دبیر خرید خدمتی یک دبیرستان است در کارگاه با جدیت تلاش می‌کند. همراهم او در کارگاه دو دختر جوان فعال و ساکن یکی دیگر از روستاهای سرباز هستند.



در دی ماه ۱۳۹۹ نیز کارگاه مشترک دوزندگی و هنرهای دستی با تجهیزات کافی در یک مرکز تجاری، واقع در یکی از مناسب‌ترین نقاط مرکز شهر سرباز کار خود را زیر نظر یک سرپرست و یک مربی خیاطی آغاز کرد. کارگاه اکنون ۱۲ نفر هنرجوی خیاطی دارد که همه آن‌ها ساکن روستاهای سرباز هستند.

در دوران کرونا محصولات کارگاه تولید صابون و ماسک‌های تولیدی کارگاه خیاطی در میان مردم توزیع شد. علاوه بر این به دلیل شرایط ویژه اقتصادی منطقه برخی

کمک‌های حمایتی با رویکرد جهت دادن به سرمایه‌گذاری انسانی نیز در دستور کار موسسه قرار گرفت. برای این منظور مسئولیت تأمین بخشی از هزینه غذای دانش آموزان دبیرستان شبانه روزی و نمونه که کودکان با استعداد منطقه را جذب کرده و برای فردای بهتر آموزش می‌دهد بر عهده مهروماه قرار گرفت؛ هزینه غذای دانش آموزان پیش از کرونا بر عهده دانشگاه ولایت بود. که با غیرحضور شدن کلاس‌های دانشگاه، این کمک هزینه قطع شده بود. همچنین بررسی‌های لازم برای تجهیز یک مدرسه هوشمند با هدف آموزش از راه دور انجام شده است که در صورت عملیاتی شدن می‌تواند کمکی برای دانش آموزان منطقه باشد. امید داریم در کنار هم و با همراهی مردم خونگرم منطقه بتوانیم به سهم خود گامی در جهت بهبود وضعیت منطقه برداریم و سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی منطقه را در جهت توسعه پایدار با اولویت ارتقای وضعیت معیشت مردم به کار گیریم.

کارگاه از زبان مربی



کارگاه‌های خیاطی و تولید صابون مهروماه بر پایه همراهی و همکاری مربیان محلی می‌چرخد، زنانی که در مقابل همه سختی‌ها ایستاده‌اند و تلاش می‌کنند نقشی فراتر از آنچه به صورت سنتی بر آنها تحمیل شده است ایفا کنند. ساناز از همکاران مهروماه در بلوچستان از جمله این زنان است.

من ساناز هستم، ۲۳ سال سن دارم، فوق دیپلم آموزش ابتدایی دارم و برای قبولی در دوره کارشناسی تلاش می‌کنم. در عین حال در کارگاه خیاطی مهروماه به عنوان مربی کارگاه فعالیت دارم. با مهروماه از طریق یکی از همسایگانمان آشنا شدم که با مجموعه همکاری داشت. از من دعوت کرد و این نقطه آغاز همکاری من با موسسه شد.

در آغاز کار کمی ترس داشتم. من می‌توانم؟ از مسئولیت اداره یک کارگاه برمی‌آیم؟ اما مادرم مشوقم بود و به من جرئت داد تا این مسئولیت را بپذیرم. در این کارگاه چند نفر از دختران منطقه که دوران دبیرستان را تمام کرده‌اند اما نتوانسته‌اند یا امکان آن را نداشته‌اند که وارد دانشگاه شوند با انگیزه بالا دورهم جمع شده‌اند و شرایطی فراهم شده است که می‌توانند با هم همکاری داشته باشند. درحال حاضر و با پشتکار همه، دختران کارگاه در کار خود ماهر شده‌اند و فعالیت حرفه‌ای دارند. این دختران امروز مستقل هستند و می‌توانند روی پای خود بایستند.

حضور در کارگاه برای من دنیایی از تجربه بود. با یک محیط کاری جدید و خوب آشنا شدم، دوستان جدیدی پیدا کردم که ارتباط خوبی با آنها دارم. توانستم یک گروه را مدیریت کنم و مربی آنها باشم. برای من که آرزوی معلمی دارم این تجربه غنیمتی است که کمک می‌کند در آینده نیز بتوانم در قامت یک معلم خوب برای کودکان فعالیت کنم.



نگاه خیره‌ای ما را به نتیجه نمی‌رساند



فعالیت در بلوچستان ممکن نبود مگر با همراهی نیروهای محلی و داوطلب که هرکدام به سهم خود در این مسیر همراهان بودند. آشنایی با آنها و دغدغه‌هایشان ما را بیشتر با فضای همکاری و کار داوطلبانه آشنا می‌کند. بر همین مبنا گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم با یکی از داوطلبان فعال مهروماه در منطقه بلوچستان. کسی که در تمام مدت کنار ما و کنار مردم بلوچستان بود و با تجربه‌های کارآفرینی خود در گذشته به پیشبرد صندوق همیاری موسسه کمک شایان کرد.

خلاصه‌ای از گفت‌وگوی ما با این داوطلب را در ادامه می‌خوانید. شایان ذکر است به دلیل درخواست ایشان این گفت‌وگو بدون نام درج می‌شود.

لطفا یک معرفی کوتاه از خودتان داشته باشید.

سال ۱۳۴۱ در جنوب شهر تهران به دنیا آمدم و بزرگ شدم. زمانی که دیپلم گرفتم دانشگاه‌ها تعطیل شدند و من هم خیلی زود وارد عرصه زندگی شدم و مهارت‌های متنوعی را یاد گرفتم و تجربه کردم. از سال ۱۳۷۷ کار با خانم‌های افغانستانی را در منطقه کن تهران شروع کردم. همین زمان اولین تجربه کارآفرینی من هم رقم خورد و یک تعاونی خیاطی را در جنوب تهران تأسیس کردم. در سال ۱۳۸۲ و پس از زلزله بم نیز با انجمن یاری همکاری کردم و در منطقه بم فعال شدم.

از چه زمانی و چگونه با مهروماه آشنا شدید؟

پس از سیل بلوچستان در زمستان ۱۳۹۸ با معرفی سرکار خانم ایزدی با موسسه مهروماه آشنا شدم و از همان زمان در واحد کارآفرینی بلوچستان مشغول به کار هستم.

شناخت شما از جامعه محلی پیش از شروع به فعالیت چقدر بود و در این مدت فعالیت چه میزان شناخت شما بیشتر شده است؟ شناخت من از جامعه محلی بلوچستان سطحی و در حد آگاهی عمومی بود. البته دو سفر گردشگری گروهی به این منطقه و به طور خاص به چابهار، سرباز، ایرانشهر و نیک‌شهر داشتم. اما در حال حاضر می‌توانم بگویم شناخت نسبتاً عمیقی از فرهنگ، رفتار اعتقادات و محرومیت‌های مردم این منطقه پیدا کرده‌ام.

به نظر شما پیامدهای جانبی مثبت و منفی حضور نهادهای مردمی در بلوچستان چه بوده است؟

اگر نهادهای مردمی به گونه‌ای فعالیت کنند که مردم شناخت روشن و دقیقی از خود داشته باشند و باور کنند می‌توانند زندگی خود و اطرافیانشان را تغییر دهند، حضور آنها موجب رشد و بالندگی و دلگرمی خواهد بود. اما اگر نگاه خیره‌ای و از بالا به پایین داشته باشیم و شتابزده به دنبال نتیجه‌گیری باشیم و بخواهیم تجربه زندگی شهری را به اقلیم روستایی با تمام روابط درهم‌تنیده، زیبا و خانوادگی آنها ببریم به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

فکر می‌کنید فعالیت داوطلبانه در شرایط امروز جامعه تا چه حد ممکن است؟

در شرایط اقتصادی فعلی و زمان و انرژی‌ای که برای سامان‌دهی اقتصاد خانواده مورد نیاز است، وقت و توان کافی برای کار داوطلبانه باقی نمی‌ماند. به نظرم سازمان‌های مردم‌نهاد در این شرایط بهتر است با تلفیق نیروهای موظف و داوطلب کار را پیش ببرند چراکه از این طریق می‌توانند پاسخ بهتری از فعالیت‌های خود بگیرند.

با این وجود شما هنوز فعالیت داوطلبانه خود را دارید. چگونه توانسته‌اید میان فعالیت‌های زندگی روزمره و انجام کارهای داوطلبانه تعادل برقرار کنید؟

حفظ تعادل در کار داوطلبانه و کارهای روزمره نیاز به کسب مهارت دارد. به یاد دارم اوایل که غرق در کار با خانم‌های افغانستانی بودم روزی مادرم به من گفت فکر کن من هم یکی از این خانم‌ها، برای من هم بیشتر وقت بگذار و به من سر بز. اینجا بود که متوجه شدم باید کار داوطلبانه را در سبب ذهنی خودم و خانواده تعریف کنم و جا بیندازم. اوایل مشکل است اما وقتی صمیمانه و عاشقانه کار کنیم و حس و حال خوبی از کار کردن داشته باشیم موجب رشد خودمان و اطرافیانشان هم خواهد شد.

پیشنهاد شما برای ارتقای سطح فعالیت مهروماه چیست؟

بکشیم از تمام علم، مهارت و تجربه‌ای که در زمینه برنامه‌ریزی و سامان‌دهی داریم استفاده کنیم تا نیازها و توانایی‌های مردم بلوچ را دریابیم و با صبوری و اعتماد متقابل آنها را یاری کنیم تا نقش خودشان را در زندگی پررنگ‌تر و پویاتر رقم بزنند.



مرثیه‌ای برای یک باور



«این کودکان همه درآمدهای میلیونی دارند، نباید به آنها کمک کرد»؛ «دروغ می‌گویند، ادا درمی‌آورند، نباید به حال آنها دل سوزاند»؛ «انجمن‌هایی که به نام این کودکان دایر می‌شوند همه کلاهبردار هستند» و... کافی است چرخی در شبکه‌های اجتماعی بزنیم تا با جملاتی شبیه به موارد بالا روبه‌رو شویم. باورهایی که نتیجه سال‌ها تبلیغات رسمی و غیررسمی برای وارونه‌نمایی

واقعیت تلخ کار کودکان و تضعیف نهادهای اجتماعی است. باورهایی که فاصله‌ای عمیق با آنچه در زیر پوست شهر می‌گذرد، دارد.

قادر (نام مستعار) زمانی که ۱۲ ساله بود یکه و تنها از افغانستان به ایران و نزد دایی‌اش آمد تا کار کند و کمک‌خرج مادر و پنج خواهر و برادر کوچک‌تر از خودش باشد، پدرش آنها را ترک کرده و به‌ناچار او را برای تأمین ضروریات خانواده به کشور و دیاری دور فرستاده‌اند تا کمر همت بریندد و یاری‌رسان و یاور خانواده‌اش باشد.

رضا (نام مستعار) ۱۱ سال دارد، عصرها به یکی از رستوران‌های فرحزاد می‌رود و تا پاسی از شب به شستن ظرف‌ها مشغول است. دست‌اش از شدت خشکی ترک برداشته‌اند و زانوانش به دلیل ایستادن طولانی مدت درد می‌کنند. درآمد پدر از کارگری کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد و رضا بخشی از بار خانواده را به‌ناچار به دوش کشیده است.

مریم (نام مستعار) ۱۴ سال دارد، پدر و مادر از هم جدا شده‌اند و او، مادر و برادرهایش در خانه جایی ندارند. مریم و برادر بزرگ‌ترش بار اقتصادی خانواده را به دوش می‌کشند. مریم بافندگی می‌کند و کارهای دست‌خود را در خیابان می‌فروشد.

زهیر (نام مستعار) ۹ سال دارد. پدر و مادر هر دو کار می‌کنند اما درآمد کافی نیست. او عصرها بعد از مدرسه به جای خانه راهی مترو می‌شود و با فروش فال درآمدی برای خانواده کسب می‌کند.

قادر، رضا، مریم، زهیر و هزاران کودک دیگری که سال‌های کودکی خود را برای کسب لقمه‌ای نان تلاش می‌کنند و تجربه‌ای از کودکی کردن ندارند واقعیت‌های جامعه ما هستند. واقعیت‌هایی که نه می‌توان آنها را حذف کرد و نه با انتسابشان به باند و مافیای، از زیر بار مسئولیتی که در برابر آنها داریم شانه خالی کرد. ما در مهرماه همراه با سایر فعالان حوزه کودک کوشیده‌ایم به سهم خود ملجائی برای کودکان باشیم و باری از دوش آنها برداریم. در این مسیر حداقل انتظاری که از هنرمندان، فعالان فرهنگی و اجتماعی داریم آن است که اگر برای حل معضلات کودکان راهی ندارند در مسیر حذف و وارونه‌نمایی واقعیت زندگی آنها نیز گام برندارند. جامعه باید نسبت به پدیده‌های تلخی مانند کار کودک و خشونت علیه کودکان آگاه باشد و حساسیت خود را از دست ندهد. در غیر این صورت نهادهای مردمی که با حداقل‌ها و محدودیت‌های فراوان روبه‌رو بوده‌اند بیش از پیش در مسیر خود با مانع روبه‌رو خواهند شد. آنچه در ادامه می‌خوانید واقعیت‌های تلخ و شیرینی است که در سال ۱۳۹۹ و در کنار کودکان مهرماه رقم خورده است. چهره‌ای از واقعیت.

با هم برای احقاق یک حق

مروری بر طرح حمایت تحصیلی مهروماه از گذشته تا امروز



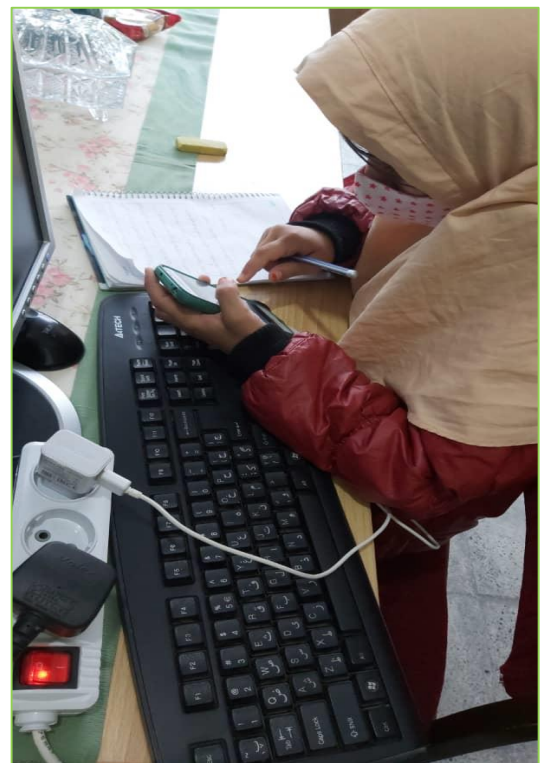
برخورداری از آموزش برابر حق همه کودکان است؛ این شعار مهروماه از بدو تأسیس بوده است. در نتیجه همین باور بود که در سال ۱۳۹۴ طرح حمایت تحصیلی مهروماه در محله فرحزاد آغاز شد و همچنان در حال اجرا است.

این طرح، به منظور حمایت از خانواده و کودک با هدف پیشگیری از ترک تحصیل کودکانی که به واسطه شرایط فرهنگی و فقر خانواده و نبود امکانات از داشتن شرایط مناسب تحصیلی و ادامه تحصیل محروم هستند، اجرا شد و کمکی است برای جلوگیری از ورود کودکان بیشتر به چرخه کار کودک و همچنین کاهش کودکان بازمانده از تحصیل؛ بدون توجه به جنسیت و قومیت.

ما معتقدیم نبود امکان تحصیل کودکان یک آسیب چندوجهی است و برای رسیدن به هدف آموزش برابر باید به همه ابعاد این مقوله پرداخته شود. لذا در طرح حمایت تحصیلی، خانواده به همراه کودک مورد توجه قرار گرفته و مراحل مختلفی برای حمایت از کودکان پیش‌بینی شده است.

در حال حاضر در مرحله نخست پس از شناسایی دقیق کودک بر اساس شاخص‌های از پیش تعریف شده، پذیرش کودک و خانواده در طرح توسط تیم تخصصی (مددکار و روانشناس) صورت می‌پذیرد. در مراحل بعدی علاوه بر حمایت مالی مربوط به هزینه‌های تحصیلی دانش‌آموزان، آموزش‌های مکمل در دو سطح فردی (خود دانش آموز که شامل آسیب‌شناسی تحصیلی، هدایت تحصیلی و در صورت نیاز مشاوره حرفه‌آموزی و شغلی و هنری و ... می‌شود) و سطح خانوادگی (آسیب‌شناسی خانواده و توانمندسازی در سطح روانی، اجتماعی و فرهنگی) برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. همچنین در این طرح تلاش شده از طریق آموزش‌های فرهنگی با باورهای غلط در رابطه با نگاه منفی به تحصیل دختران، بی‌ارزشی تحصیل، مخالفت با اشتغال مادر و ... مقابله شود.

علاوه بر حمایت تحصیلی کودک، یکی از اهداف اساسی این طرح کاهش آسیب در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است که از طریق توانمندسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی اعضای خانواده و جلوگیری از بازماندگی تحصیلی پیگیری



می‌شود. بر این اساس توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها از مهمترین بخش‌های این طرح تعریف شده است که با معرفی والدین به بخش کارآفرینی موسسه یا کمک در اشتغال‌یابی پیش برده می‌شود.

در طول مدت اجرای طرح حمایت تحصیلی، این طرح رشد و گسترش کمی و کیفی مورد قبولی داشته است؛ همچنین به دلیل موفقیت طرح، از سال ۱۳۹۸ انجمن حمایت از کودکان کار نیز به این برنامه پیوست و تاکنون این طرح را در حوزه فعالیت خود اجرایی می‌کند.

مهرماه در سال ۱۳۹۴ به عنوان سال آغاز این طرح ۶۱ دانش آموز را تحت پوشش قرار داد. طی سال‌های فعالیت در مجموع ۳۱۷ کودک تحت پوشش قرار گرفتند که ۵۴ نفر از آنها به درخواست خود و به دلایل مختلف از جمله مهاجرت از این طرح خارج شده‌اند. در حال حاضر ۲۲۷ کودک تحت پوشش طرح قرار دارند. در طول این مدت نیز ۶ نفر از دختران تحت پوشش وارد دانشگاه شده‌اند.

از آنجایی که تعدادی از کودکان تحت پوشش طرح حمایت تحصیلی قبلاً در زمره کودکان بازمانده از تحصیل یا کودکان کار بوده‌اند، در این طرح سعی شد با ایجاد اشتغال برای پدر و مادر و ارائه خدمات مشاوره‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای خانواده، شرایط کاهش ساعات کار کودکان و در بهترین حالت حذف کار کودک ایجاد شود. هرچند به دلیل شرایط سخت اقتصادی خانواده‌ها، حذف کامل کار کودک تنها در چند مورد محقق شده است اما اکثر کودکان کار ساعات کارشان کاهش یافته و نوع کاری که انجام می‌دهند نیز تغییر یافته است. پسران و دختران بالای ۱۱ سال عمدتاً از طریق حرفه‌آموزی از کار در خیابان به کارهای مکانیکی، صافکاری و صنایع دستی هدایت شده‌اند.



متأسفانه با تمام تلاش‌های انجام شده از ابتدای این طرح تاکنون ۴۰ نفر ترک تحصیل کرده‌اند که عموماً در مقطع دبیرستان بوده‌اند و با حمایت آنها در طرح، از خروج زودتر این کودکان از چرخه تحصیل جلوگیری شد. شایان توجه است که ۱۸ نفر از این ۴۰ نفر در دوران کرونا تصمیم به خروج از تحصیل گرفتند که این موضوع به طور ملموسی تأثیر این بحران را بر آموزش کودکان به ویژه کودکان محروم‌تر نشان می‌دهد.

امیدواریم بتوانیم با حمایت همراهان همیشگی و عزیزانی که هر سال به جمع خانواده ما اضافه می‌شوند مسیری که آغاز کرده‌ایم را ادامه بدهیم و در حد توان خود برای آینده بهتر کودکان سرزمینمان تلاش کنیم. هرچند می‌دانیم و فراموش نمی‌کنیم وظیفه اصلی در این مسیر بر عهده نهادهای مسئول و سیاستگذاران است اما تا روزی که این مهم محقق شود ما در کنار کودکان و خانواده‌هایشان می‌ایستیم.

شوق آموزش

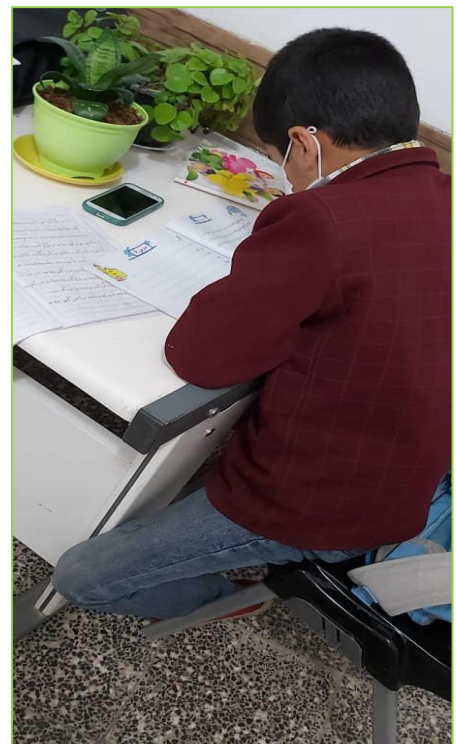
چرخ زمان گاه با سرعت اعجاب آوری می‌چرخد. تغییرات با شتابی تند، زندگی را زیر و رو می‌کند. حتی آموزش که خود تحول‌آفرین است هم دچار تغییر می‌شود. آموزش کودکان بازمانده از تحصیل رسمی مهرماه در ابتدای سال ۹۹ نیز لاجرم با تغییرات شگفت‌انگیز مواجه شد. آموزش حضوری با گسترش دامنه بیماری کووید ۱۹ خطرآفرین شد و راهی جز آموزش مجازی در پیش رو نبود. آموزش مجازی نیازمند بستری مناسب خودش است؛ معلمی که با شیوه آموزش مجازی آشنا باشد و دانش آموزی که ابزار مناسب در اختیار داشته و راه استفاده از آن را بداند؛ اما این بستر آماده نبود و در نتیجه چالش‌ها فراوان.



با این وجود آنچه که در دو سوی معلم و دانش آموز جریان داشت، اشتیاق به برقراری ارتباط بود؛ این اشتیاق دو سویه، توانست بتدریج بر کمبودها غلبه کند.

در ابتدا، کار را با تعدادی از کودکان که برقراری ارتباط با آنها از طریق واتساپ امکان داشت و تمایل به آموزش مجازی داشتند، شروع کردیم. در مرحله‌ی بعد، دانش آموزان علاقمندی که امکانات لازم را نداشتند از طریق گروه پرتلاش واحد مددکاری اجتماعی - روانشناسی معرفی شدند. با این کودکان تماس تلفنی گرفته شد، تلاش شد گوشی مناسب و اینترنت برای آنها تهیه شود و برای برخی نیز کلاس‌های حضوری برگزار شد.

در این بین وجود کودکانی که علی‌رغم همه سختی‌ها کلاس‌های خود را ادامه می‌داند برای ما دلگرمی بود. مشتاق (نام مستعار) از جمله این کودکان است. او سیزده سال دارد و ششمین و کوچکترین فرزند خانواده است.



مشتاق تا پنجم را در مکتب خوانده است. تابستان ۱۳۹۹ تصمیم می‌گیرند که به ایران بیایند تا شاید آسایش و امنیتی که حق برخورداری از آن را دارند در آب و خاک تهران بیابند.

در روز مصاحبه بسختی می‌شد از پس لهجه غلیظش که با سرعت هم حرف می‌زد، فهمید که چه می‌گوید اما در پس آن کلام، شور و اشتیاق درس خواندن و رعایت ادب در نزد بزرگتر هویدا بود، سرانجام دانش او تا ورود به کلاس سوم ارزیابی شد.

خانواده مشتاق بعد از یک ماه بخاطر گرانی مسکن و مشکل کار به اطراف تهران کوچ کردند اما با وجود شرایط امسال و آموزش مجازی مشکلی برای درس خواندنش نبود و او مشتاقانه پیگیر بود.

گوشی‌ای که مشتاق از آن استفاده می‌کرد کیفیت خوبی نداشت و اینترنت محله‌شان هم بسیار ضعیف بود و غالباً امکان تماس تصویری مهیا نمی‌شد. او برای دانلود فیلم‌های درسی که معلم‌هایش می‌فرستادند باید ساعت‌ها صبر می‌کرد اما اینها مانعی بر سر راه مشتاق نبودند. به محض گذاشتن پیام در گروه درسی، زمانی که مشکل اینترنت وجود نداشت، اولین کسی که پاسخ می‌داد و تکالیفش را با سرعت اعجاب‌آوری ارسال می‌کرد، مشتاق بود و اگر بلافاصله امکانش را نداشت، خبر می‌داد: «سلام خانم معلم. صبح شما بخیر باشه خانم معلم. من به سفر هستم. می‌فرستم. ممنونم که اینها را برام فرستادید. خیلی ممنونم خانم معلم».

مشتاق واقعاً مشتاقانه طالب یادگیری بود حتی در شیوه سخن گفتن، وقتی عبارات دلشاد باشید و یا شبستان پرستاره را از یکی از معلمان خود شنید هر بار در پایان کلامش از آنها استفاده می‌کرد. مشتاق و مشتاق‌ها شوق ما را برای آموزش به کودکانی که از بدیهی‌ترین حق خود محرومند دوچندان می‌کنند. به امید آن روز که همه کودکان دنیا، دلشاد باشند و شب‌های پرستاره زندگیشان را به نظاره بنشینند.

ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک

بند ۱:

کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه منجمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم.

ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب.

د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

شکستن سد سکوت



سخن گفتن از تجربه‌های تلخ و عمیقاً اثرگذار تجاوز و تعرض برای بسیاری از افراد سخت و حتی غیرممکن است. شکل‌گیری جنبش «من‌هم» کمکی برای شکستن سکوت زنان و دخترانی بود که آسیبی جدی در زندگی متحمل شده‌اند؛ آسیبی که مدت‌ها روح و روان آنها را درگیر کرده است. با این حال تا زمانی که همه زنان و مردان اعتماد کنند تا آنچه بر آنها رفته، بازگو کنند و تا زمانی که جامعه پیام‌رسان دربارۀ قربانی تجاوز قضاوتی نداشته باشد و او را مورد

حمایت قرار دهد، راهی طولانی باقی است. فرشته (نام مستعار) یکی از قربانیان این اتفاق شوم است. دختری که تصمیم گرفت سکوتش را دست‌کم در مقابل مشاورانش در مهروماه بشکند و راه زندگی جدیدی برای خود باز کند.

فرشته را زمانی که پانزده ساله بود دیدم. دختری با افکار توهم‌گونه و رفتار تمارضی. در چند جلسه اولی که با او صحبت کردم نشانه‌هایی در رفتارش دیدم که حدس زدم ممکن است قربانی تجاوز باشد. دخترک در این سن کم چندباری اقدام به خودکشی داشت و خانواده او را نجات داده بودند. جلسات مشاوره‌ام با او به دلیل شدت آسیب‌ها به صورت روزانه برگزار می‌شد. کم‌کم به ما اعتماد کرد و از راز بزرگ زندگی پرده برداشت. فرشته در هفت سالگی قربانی تجاوز و تعرض از طرف یکی از اقوام نزدیک شده بود. مردی که پس از آن اتفاق دائم فرشته کوچک را تهدید می‌کرد که اگر به کسی حرفی بزند کودکی در درونش سبز خواهد شد و آبرویش از دست خواهد رفت. درک کودکان فرشته و ترس او از تهدیدها باعث شد هیچ‌گاه از این قضیه با نزدیکانش صحبت نکند. فرشته با همین ترس و توهم بزرگ شد. احساس گناه، از دست دادن اعتماد به نفس و خودباوری از پیامدهای خاطرات تلخ کودکی او بود.

داستان به همین جا ختم نشد. دخترک در سن نوجوانی و زمانی که می‌توانست تجربه‌هایی از عشق را درک کند، وارد رابطه‌ای عاطفی شد. رابطه‌ای که در نهایت به یک ارتباط تجاوزگونه دیگر انجامید. تمام خاطرات و احساس گناه کودکی بار دیگر هجوم آورده بودند. فرشته دختری با تفکرات مذهبی بود و نمی‌توانست وضعیت خود را بپذیرد. احساس گناه لحظه‌ای او را رها نمی‌کرد و در این شرایط چاره‌ای جز مرگ برای خود نمی‌دید. مرد متجاوز نیز هنوز با خانواده در ارتباط بود و از وضعیت جدید فرشته آگاهی پیدا کرده بود. همین موضوع عاملی شد برای تهدید و تعرض دوباره به فرشته. می‌دانست دیگر نمی‌تواند با استدلال کودکانه او را وادار به سکوت کند در نتیجه از در دیگری وارد شد و تهدید می‌کرد اگر فرشته از این اتفاقات حرفی بزند به خواهر کوچکش هم تعرض خواهد کرد؛ خواهر هفت‌ساله فرشته؛ دقیقاً همان سنی، که به فرشته تعرض شد.

این اتفاقات، ترس‌های روزمره زندگی دخترک شده بودند. در همین دوره بود که فرشته به ما مراجعه کرد. جلسات مشاوره با او بسیار سخت می‌گذشت. حملات عصبی در طول جلسات بارها اتفاق افتاد که گاهی تمام اعضای موسسه را درگیر می‌کرد. اما می‌دانستیم صحبت از اتفاقات مهم است و نمی‌توان از کنار آن گذشت. در جلسات مشاوره با فرشته به او حس اعتماد دادیم، می‌دانست که می‌تواند بدون ترس از قضاوت حرف خود را با ما در میان بگذارد. می‌دانست اگر اتفاقی بیفتد ما پشتیبان او هستیم. این موضوع کم‌کم به او حس خودباوری داد. تلاش کردیم بار گناه را از روی دوش او برداریم و این باور را به او بدهیم که او قربانی است و نه گناه‌کار. هرچند فرشته هنوز موقعیت را برای گفت‌وگو با خانواده مناسب نمی‌بیند اما توانسته کم‌کم خودش در مقابل تهدیدها بایستد، نترسد و اجازه ندهد بار دیگر با سوءاستفاده از معصومیت او و خواهر کوچکش مرد متجاوز خواسته‌های شوم خود را دنبال کند. فرشته امروز در حال مبارزه با پیامدهای خاطرات تلخ کودکی است، بر تجربه نوجوانی تا حدودی غلبه کرده و در کلاس‌های موسسه فعال است. او می‌داند که می‌تواند از این مراحل سخت عبور کند و راهی جدید پیش پای خود باز کند.



شطرنج بازان قهرمان

شیوع کرونا فعالیت‌های خانه فرهنگ مهروماه را تحت تأثیر خود قرار داده بود. اگر قبلاً با ورود به خانه فرهنگ صدای شوق و شور کودکان توجه را جلب می‌کرد اما در روزهای کرونا این سلامت کودکان بود که در اولویت قرار داشت و در نتیجه تصمیم بر آن شد کلاس‌ها به صورت مجازی برگزار شود. هرچند دوره‌های مجازی باعث شد ارتباط بچه‌ها با خانه فرهنگ حفظ شود اما کلاس‌های حضوری می‌توانست بازده بالاتری داشته باشد. به همین دلیل در اردیبهشت ماه ۹۹ زمانی که وضعیت شیوع بیماری کمی ثابت‌تر شده بود درهای خانه فرهنگ مهروماه با رعایت استانداردهای لازم به روی کودکان باز شد و برخی کلاس‌ها به صورت حضوری برگزار شدند. در این میان کودکان شطرنج‌باز مهروماه شوق و شوری مضاعف داشتند. آنها پیش از این کلاس‌های مجازی را با جدیت دنبال می‌کردند و حال حضور حداقلی در سر کلاس می‌توانست کمک بیشتری برایشان باشد.

در همین مدت تلاش شد سطح آموزش شطرنج در موسسه ارتقا یابد و به همین منظور از یکی از مربیان با سابقه فدراسیون شطرنج دعوت شد تا در کنار کودکان مهروماه باشد و آنها را آموزش دهد. پذیرش ایشان، ذوق کودکان را دوچندان کرد. روش تدریس مربی که مبتنی بر آموزش‌های بین‌المللی بود کودکان شطرنج‌باز را بیش از پیش مشتاق کرد. کلاس‌ها هفته‌ای یکبار به صورت حضوری برگزار می‌شد و در طول هفته نیز کودکان از طریق پتل آموزشی فدراسیون، آموزش مجازی را دنبال می‌کردند.

مهرماه زمان مسابقات بود و کودکان ما نیز با اشتیاق منتظر مسابقاتی بودند که شرکت‌کنندگان آن را شاگردان مربیان فدراسیون تشکیل می‌داند. در این مسابقات کودکان ما موفق به کسب مقامی نشدند اما این موضوع آنها را دلسرد نکرد. تشدید شیوع کرونا باعث شد کلاس‌های حضوری نیز متوقف شود اما این موضوع انگیزه کودکان ما را کم نکرد. در نهایت در مسابقات بهمن‌ماه قهرمانان کوچک مهروماه نتیجه مدت‌ها تلاش خود را گرفتند و رتبه سوم و پنجم مسابقات به آنها تعلق گرفت.

ما این موفقیت را به قهرمانان کوچکمان تبریک می‌گوییم. می‌دانیم همه کودکان در صورتی که شرایط مهیا باشد و بتوانند استعداد خود را کشف و آن را تقویت کنند می‌توانند در مسیر اهدافشان موفق باشند و گام‌های بزرگ بردارند.



توانمندسازی، جایگزین حمایت خیریه‌ای

یکی از انتقاداتی که نسبت به فعالیت خیریه‌ای می‌شود، وابسته نگه داشتن افراد به این نهادهاست. به همین دلیل نهادهای مردمی که در حوزه کارآفرینی و توانمندسازی فعالیت دارند تلاش می‌کنند بتوانند با ارتقای سطح توانایی‌های فردی افراد، آنها را برای زندگی مستقل از کمک‌های بیرونی آماده کنند. با همین رویکرد بود که مهروماه نیز فعالیت خود را بر پایه توانمندسازی استوار کرد. در نتیجه این تلاش‌ها ما امروز با زنانی روبه‌رو هستیم که نه تنها توانسته‌اند با مهارت‌هایی که آموخته‌اند زندگی خود را تأمین کنند که حتی موفق شده‌اند وارد بازار کار مستقل از موسسه شوند.



لعیا (نام مستعار) امروز در آموزشگاه چرم‌دوزی فعال است و علاوه بر آنکه محصولات دست خود را می‌فروشد، به دختران علاقمند دیگر آموزش می‌دهد. سمیه (نام مستعار) دوره تحصیل خود را در مدرسه به اتمام رسانده، دوره‌های آموزش مربی‌گری دیده، به دانشگاه رفته و امروز معلم کودکان است. رویا (نام مستعار) امروز خیاطی حرفه‌ای است که در یک کارگاه به کار مشغول شده. راحله (نام مستعار) برای کارهای سوزن‌دوزی خود از خارج از کشور مشتری جذب کرده است. مهرانه (نام مستعار) امروز به صورت حرفه‌ای سنگتراشی می‌کند و در کارگاهی

تخصصی مشغول به کار است. نرگس (نام مستعار) با کارگاه‌های تولید مبلی صحبت کرده و از تکه‌های پارچه مازاد این تولیدی‌ها استفاده می‌کند، کیف می‌دوزد و به مغازه‌داران محله می‌فروشد. سمانه (نام مستعار) آموزش‌های آشپزی خود را کامل کرده و امروز با ثبت سفارش از مشتریان سفره‌های آنها را زیباتر می‌کند.

امروز می‌دانیم که این زنان، هرچا که باشند می‌توانند با باوری که نسبت به خود و توانایی خود دارند زندگی خود را پیش ببرند و بدانند که می‌توانند روی پای خود بایستند. این روند نتیجه تمرکز بر توانمندسازی است.



کاری که خواستم را انجام دادم

کارگاه های مهروماه فقط محل کار و آموزش نیستند، خانه ای هستند پر از قصه. قصه زنان و دخترانی که با وجود همه موانع تلاش کردند که بیاموزند، بر سختی ها غلبه کنند و فردایی متفاوت از آنچه دیگران برایشان رقم زده بودند برای خود بسازند. رویا (نام مستعار) از جمله این دختران است. کسی که توانایی اش را به اثبات رسانده و امروز در یک کارگاه به صورت حرفه ای مشغول به کار است و البته آرزوهایی بزرگتر در سر دارد. با او گفت و گوی کوتاهی داشتیم و برایمان از گذشته گفت و از تصویری که از آینده ساخته است.



«من یک دختر افغانستانی هستم. متولد اذر ۷۳. در افغانستان به دنیا آمدم و سال ۱۳۷۸ به ایران مهاجرت کردیم و در منطقه فرحزاد ساکن شدیم.»

از روند آشنایی اش با مهروماه می پرسیم: «خواهرم برای کلاس زبان و چرم به موسسه می آمد. یک روز متوجه شده بود که مهروماه کارگاه خیاطی هم دارد. به من گفت تو که خیاطی دوست داری بیا به موسسه.»

پس به خیاطی علاقه داشتی؟ «قبلا خیاطی رفته بودم. در یک کارگاه دیگر هم کار کرده بودم و دوست داشتم این کار را ادامه دهم. با هدف یادگیری بهتر دوخت لباس و طراحی به مهروماه آمدم. از آموزش چرخ شروع کردم و

دوخت؛ اما انواع آموزشی که در کارگاه مهروماه داده می شد را دنبال می کردم. هفته ای یک روز هم در مهروماه کلاس الگوی لباس می رفتم تا این مهارت را هم یاد بگیرم.»

این دوران آموزش و کار در مهروماه چقدر طول کشید؟ «تقریباً از سال ۹۶ تا ۹۹ در کارگاه و کلاس های مهروماه بودم اما وقتی پیشرفت خوبی در کار پیدا کردم به یک مزون معرفی شدم تا در آنجا بیشتر فعالیت کنم. فعلاً در مزون هستم و کار دوخت لباس شب و چادر و غیره انجام می دهم و مهارت بیشتری کسب می کنم.»

البته رسیدن به اینجا آسان نبوده است و رویا مثل دختران بسیاری برای رسیدن به آنچه می خواهد بارها جنگیده و مقاومت کرده: «مثل تمام دخترانی که شرایط من را دارند مشکلاتی داشتم و هنوز موانعی دارم. پدرم با کار من موافق نبود و مانع پیشرفتم می شد اما من کاری که می خواستم را انجام دادم و باز هم تلاش می کنم هدفی که می خواهم را به دست آورم.»



از او درباره آینده می پرسیم: «خیلی دوست دارم طراح خوبی شوم و برای خودم مزون بزنم تا ببینم قسمت چه باشد.»

می دانیم توانایی های رویا در حدی است که می تواند این هدف را دنبال کند. او می جنگد و از پا نمی نشیند و قسمت را می سازد.

هیچ گاه دیر نیست

خودباوری گام نخست در راه توانمند شدن است. زمانی که کسی خود را باور می‌کند، می‌تواند راحت‌تر مشکلات را حل کند، خود را عامل فعال زندگی می‌بیند و در نهایت به جای یک گوشه نشستن و امید به معجزه، خود برای تغییر گام برمی‌دارد و معجزه‌های کوچک را در زندگی رقم می‌زند. ما در مهر و ماه تلاش می‌کنیم زنان را در کنار توانمند کردن به خودباوری برسانیم. مریم (نام مستعار) نمونه زنی است که گام در چنین مسیری گذاشته است.

وقتی مریم وارد اتاق مشاوره شد به قدری دچار اضطراب بود که آن را به من هم منتقل می‌کرد. از پاسخ‌های نصفه و نیمه به سوالاتم متوجه شدم اعتمادی به من ندارد. فکر می‌کردم این اولین و آخرین دیدار ما باشد اما اینگونه نبود. هفته بعد سر زمان معین مریم به دیدنم آمد. وقتی از او خواستم به دلیل شلوغی موسسه جلسه را برای روز بعد بیندازیم با چشمان پر اشک او روبه‌رو شدم. متوجه شدم به این جلسات بیش از آنچه فکر می‌کنم نیاز دارد.

مریم ۳۴ ساله است. ۸ سالی است از شهرستان به تهران مهاجرت کرده‌اند. سه فرزند دارد و رابطه‌اش با همسر و فرزندانش خوب نیست. مدام از همسر بد می‌گوید اما وقتی از او می‌خواهم مثال‌هایی از رفتار همسرش بزند موضوع عجیبی در رفتار همسر نمی‌بینم. جلسات را ادامه می‌دهیم. با هم به گذشته مریم برمی‌گردیم. جایی که او بیش از هر چیز از پدر یاد می‌کند: «از او متنفرم». این جمله‌ای است که مریم در وصف پدر می‌گوید. پدری که دائم همسر و فرزندانش را تحت آزار روحی و جسمی شدید قرار داده است. مریم امروز و پس از چند سال از فوت پدر هنوز این آزارها را فراموش نکرده است و رفتار پدر را در همسرش بازنمایی می‌کند. مریم هرچه تنفر از پدر دارد بر سر همسر پیاده می‌کند.

«من زمانی دانشجوی بودم خانوم!» این جمله مریم است، از اینکه دانشگاه را رها کرده احساس سرشکستگی می‌کند. رفتار او یک چرخه باطل را نشان می‌دهد. هر جا که موفق است به دلیل باور نداشتن به خود آن را کنار می‌گذارد و همین موضوع باعث عمیق‌تر شدن حس شکست در او شده است. مجازی شدن دانشگاه‌ها فرصت خوبی است برای بازگشت به دانشگاه. این موضوع را با مریم در میان می‌گذارم. باور ندارد که می‌تواند از نو شروع کند. او را تشویق می‌کنیم تا دوباره به تحصیل در دانشگاه ادامه دهد و در این مسیر او را حمایت می‌کنیم. کاری که مریم در جوانی رها کرده امروز با وجود سه فرزند قرار است ادامه دهد و ادامه می‌دهد.

مریم ترم آخر دانشگاه است، او کم‌کم به خودباوری رسیده، حس قربانی بودن در او کمتر شده، مادری بهتر و حامی‌تری برای فرزندانش شده است. اشتغال نیمه‌وقت باعث شده اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد. اگر تا دیروز همواره از نداشتن‌هایش می‌گفت امروز مریم برای داشته‌هایش قدر دان است و برای بیشتر داشتن و بهره‌مندتر شدن تلاش می‌کند.

مریم نمونه زنی است که خود را باور کرده و با این خودباوری خانواده خود را به سمت بهتری هدایت می‌کند. او هم‌زمان نمونه زنی است که دوران سخت کودکی مانعی برای ساختن آینده‌اش شده بود اما او در مقابل سرنوشت ایستاد. این تجربه‌ها را مصمم می‌کنند برای زندگی بهتر کودکان بکوشیم و برای بهبود زندگی زنان و مردانی که گذشته تلخ آنها مانع لذت از زندگی و ساختن آینده‌ای بهتر شده است، تلاش کنیم.

حل مسئله در درون خانواده



مهر و ماه در مدت فعالیتش تلاش کرده حل مشکلات کودکان و زنان را با رویکردی خانواده‌محور در پیش گیرد. هرچند مراجعان اصلی به موسسه زنان و کودکان هستند اما مشاوره به آنان معطوف به حل مشکلات در خانواده و همراهی سایر اعضای خانواده بوده است. تغییراتی که از این مسیر در رفتار خانواده‌ها ایجاد شده گاه به قدری بزرگ و بنیادی است که ما را هم شگفت‌زده می‌کند. داستان قدرت و مرضیه (نام‌های مستعار)، از همین گونه است.

مرضیه در جلسات مشاوره موسسه شرکت می‌کرد. از صحبت‌هایش متوجه شدم وضعیت خانه و رابطه با همسرش

دچار تنش است و دخترشان در این فضا به شدت آسیب می‌بیند. در جلسات مشاوره فردی از مرضیه خواستم اجازه دهد با همسرش صحبت کنم. معتقد بود همسرش بد اخلاق و خسیس است و آنقدر خود را درگیر کار کرده که حاضر نیست مرخصی بگیرد. شماره تماس همسرش را گرفتم و خواستم خودم با او صحبت کنم. وقتی با قدرت تماس گرفتم ابتدا از اینکه خانمی با او تماس داشته ناراحت شد اما پذیرفت که یک جلسه حضوری به موسسه بیاید. جلسه اول برای هیچ‌کدام ما خوشایند نبود. تحقیر دائم زن‌ها توسط قدرت و تاکید او بر فرمانبرداری زن من را هم از ادامه گفت‌وگو دلزده کرده بود. هرچند امیدی نداشتیم جلسات ادامه پیدا کند اما وقت جلسه دوم را هم برای قدرت گذاشتم. با کمال تعجب هفته بعد در جلسه مشاوره حضور پیدا کرد. می‌گفت در این مدت رفتار مرضیه تغییر کرده و فهمیده که موسسه قرار نیست فقط از زنان طرفداری کند. قدرت همسرش را در خانه حبس می‌کرد، روی پوشش او نظارت کامل داشت، به او اجازه ارتباط با بیرون نمی‌داد و کنترل کاملی بر روابط همسرش داشت. در خانه نیز یا با مرضیه ارتباط برقرار نمی‌کرد یا این ارتباط با دعوا و خشونت همراه بود.

در جلسات مختلف سعی کردم روی باورهایش کار کنم. بالاخره یک روز دلیل این شک و کنترل دائم را افشا کرد. مرضیه در اثر رابطه نامطلوب با همسرش مدتی درگیر رابطه عاطفی با مردی دیگر بوده است. قدرت نمی‌توانست مرضیه را ببخشد و حاضر به جدایی و ترک رابطه هم نبود و راه را فقط در کنترل، تحقیر و خشونت می‌دید. کم‌کم خودش هم وارد رابطه با زنی دیگر شده بود.

در صحبت‌هایم با قدرت از او پرسیدم آیا چنین شرایطی برای تو مطلوب است؟ پاسخش منفی بود. این پاسخ در واقع تمایل او را به تغییر شرایط نشان می‌داد. قدرت و مرضیه را با هم به جلسات مشاوره دعوت کردم. آنها ابتدا حاضر به گفت‌وگو با هم نبودند اما کم‌کم صحبت را آغاز کردند. هر دو به تدریج اشتباهات خود را پذیرفتند. امروز که به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم شرایط خانواده آنها بسیار بهتر شده است. قدرت و مرضیه با هم صحبت می‌کنند، دعوا و تنش کمتر شده است. فرزندشان دیگر در شرایط پرتشنج خانواده به سر نمی‌برد، آرامش به خانه آنها پا گذاشته و فردایی روشن‌تر پیش روی آنها قرار داده است.



توزیع صابون: کارگاه تولید صابون مهروماه در بلوچستان در سال ۱۳۹۹ فعالیت خود را آغاز کرد و محصولات آن در اختیار مردم محلی قرار گرفت. در پایان سال نیز مهروماه با تأمین صابون مدارس که در نوزده دوره‌های آموزشی برای کودکان برگزار می‌کردند، سهمی در تأمین بهداشت منطقه داشت.



جنگلک: در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ منطقه جنگلک در بلوچستان دچار آتش‌سوزی شد که در نتیجه آن ۲۷ کپر در منطقه نابود شدند. پس از مطالعه و بررسی نیازهای ساکنین جنگلک، مهروماه در نهایت تصمیم به ساخت دو چشمه حمام- سرویس بهداشتی گرفت. این کار با سرعت انجام شد و نقش مهمی در بهبود وضعیت بهداشتی منطقه بعد از آتش‌سوزی داشت. علاوه بر این مهروماه پشتیبان مردم منطقه بود که بتوانند در کنار هم اسکان دوباره‌ای پیدا کنند. جنگلک به نمادی از با هم بودن برای ما تبدیل شد.

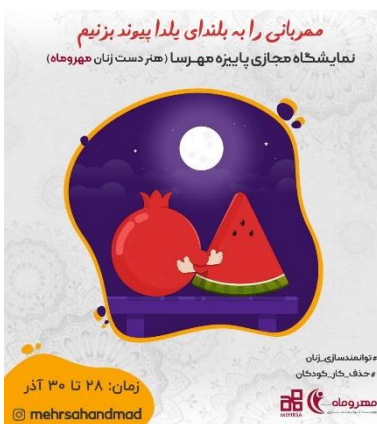




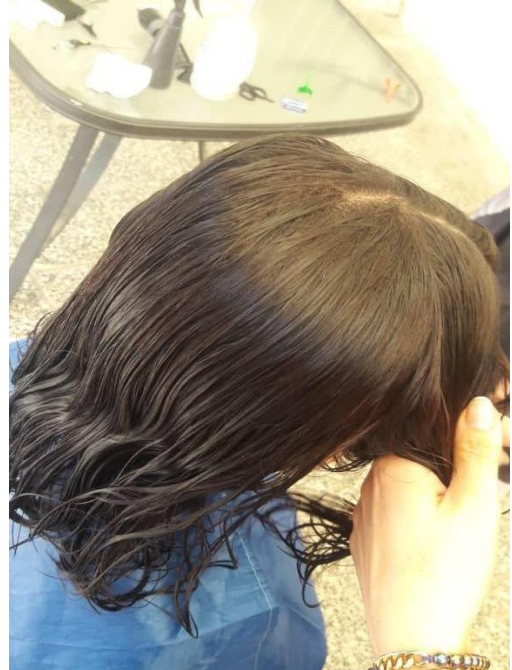
پایان سال تحصیلی: خرداد ماه هر سال پایانی است برای یک دوره تلاش؛ تلاش زنان سوادآموز، تلاش کودکان بازمانده از تحصیل، تلاش کودکان پیش دبستانی که برای ورود به دبستان آمده می‌شوند، تلاش کودکانی که با حمایت مهروماه و توانایی خودشان یک سال تحصیلی دیگر را پشت سر گذاشتند. هرچند خردادماه سال ۱۳۹۹ تحت تأثیر کرونا با جشن‌های پرشور پایان سال تحصیلی همراه نبود اما شوق کودکان و زنانی که با همه سختی‌ها این دوره را پشت سر گذاشته بودند، به قوت خود باقی ماند.



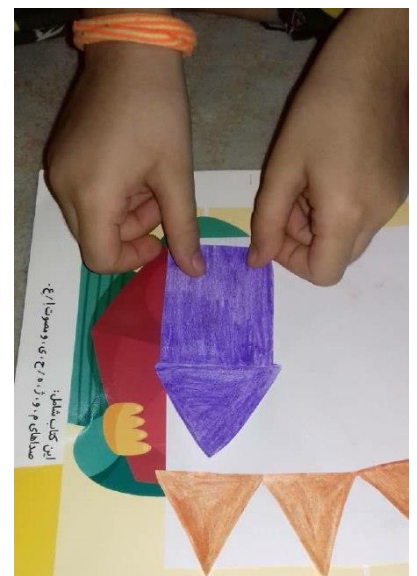
همراهی‌های مجازی: هرچند در سال ۱۳۹۹ نتوانستیم در نمایشگاه‌های متعدد در کنار همراهمان باشیم اما برگزاری نمایشگاه به صورت مجازی در این سال دنبال شد و یاران مهروماه با معرفی محصولات مهروماه به دیگران و گسترش بازار محصولات کمک کردند تا زنان و دختران مهروماه با انگیزه بیشتر به فعالیت خود ادامه دهند. می‌دانیم حذف کار کودکان ممکن نیست جز با توانمندشدن زنان و توانایی آنها برای کسب درآمد.



سلامت، دغدغه همیشگی: مهروماه به صورت منظم وضعیت سلامت و بهداشت کودکان را پیگیری می‌کند. به همین منظور در تابستان به همت داوطلبان موسسه سلامت مو و دندان کودکان بررسی شد و برای حفظ بهداشت، موهای برخی از کودکان کوتاه شد تا راحت‌تر بتوانند بهداشت آن را رعایت کنند. ارائه ارقام بهداشتی بخش دیگر برنامه‌های سلامت محور در مهروماه بود.



با تو می‌خوانم: کلاس‌های بامن بخوان مهروماه در سال ۱۳۹۹ به صورت مجازی ادامه پیدا کرد. معلم‌ها کتاب‌ها را برای کودکان بلندخوانی می‌کردند و عکس و فیلم‌های کتاب را برایشان می‌فرستادند. کودکان نیز بخش‌هایی از کتاب را می‌خواندند و صدای ضبط‌شده خود را برای دوستانشان ارسال می‌کردند. در نهایت کودکان با داستان کوچک هنرمندشان به شخصیت‌های داستان جان می‌دادند.



موسسه توانمندسازی مهرماه برگزار می‌کند

گفتگوی ویژه Live در اینستاگرام

همزمان با روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان؛ بررسی انواع خشونت، چالش‌ها و راهکارها

زمان: چهارشنبه ۱۹ آذر ساعت ۱۹

@mehromah.ngo



آرزو جداری



فاطمه باهانی



افسانه جلیلیان

کارشناس ارشد روانشناسی
مدیر، نویسنده و پژوهشگر
فعال حقوق زنان و کودکان
عضو موسسه مهرماه

موسسه توانمندسازی مهرماه به مناسبت روز جهانی زن برگزار می‌کند

گفتگوی ویژه Live در اینستاگرام
با موضوع
بررسی جامعه‌شناختی لایحه منع خشونت علیه زنان

@mehromah.ngo

چهارشنبه ۲۰ آسند ساعت ۲۰



فاطمه موسوی

دکترای جامعه‌شناسی و
پژوهشگر حوزه زنان و خانواده



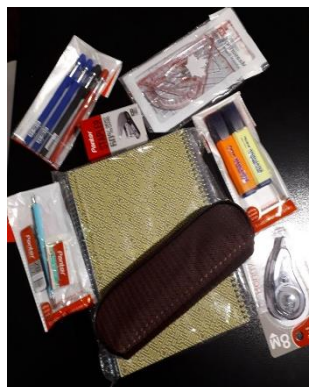
فاطمه علمدار

دکترای جامعه‌شناسی
عضو هیات مدیره مهرماه

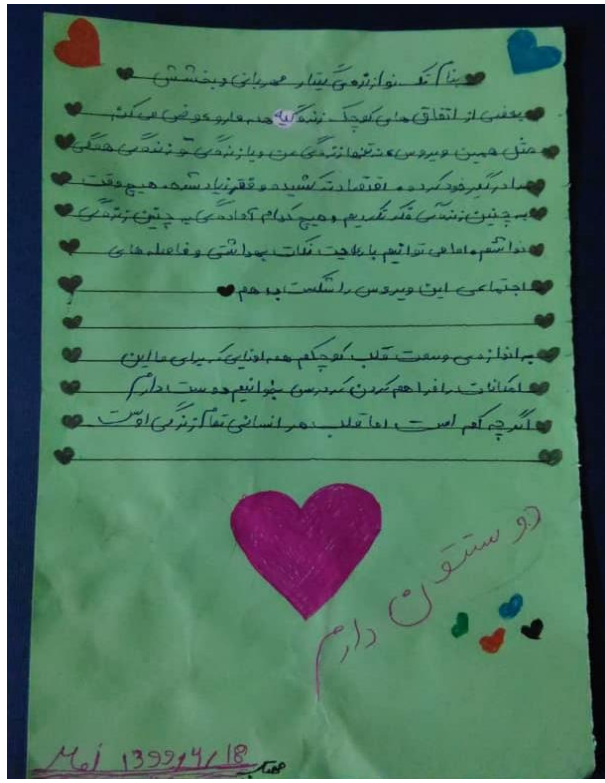
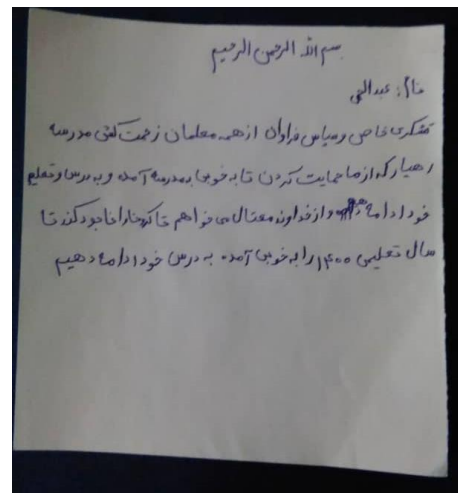
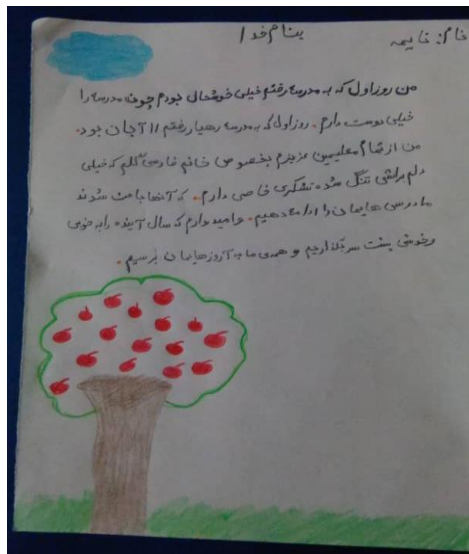
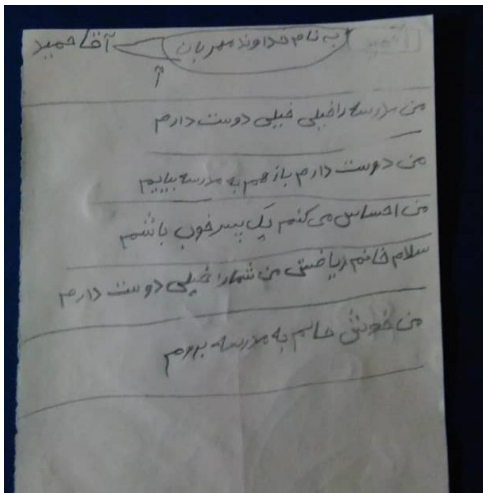
آموزش را متوقف نکنیم: هرچند سال ۱۳۹۹ به دلیل خطرات ناشی از تجمع افراد در محیط بسته کارگاه‌های آموزشی کمتری برگزار شد اما ما در مهرماه تلاش کردیم با برگزاری لایوهای اینستاگرامی ارائه مطالبات و آموزش‌هی خود را پی بگیریم. علاوه بر این در هر زمانی که ممکن بود با رعایت نکات بهداشتی کارگاه‌هایی با جمعیت محدود نیز برگزار شد.



آغاز سال تحصیلی: در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ با همراهی حامیان مهرماه لوازم تحصیل برای کودکان فراهم شد و کودکان برای آموزش این‌بار خارج از مدرسه آماده شدند. در برخی روزها نیز کلاس‌هایی به صورت محدود برای کودکان برگزار شد.



دست‌نوشته‌های کودکان: در طول سال تحصیلی ارتباط مجازی کودکان با معلمانشان پر از خاطرات شیرین بود. نوشته‌های کودکان برای معلمانشان و ابراز عشق و علاقه‌ای که به تحصیل داشتند یادگاران به یادماندنی از این دوران سخت است.



پایان شب‌های طولانی: در وصف یلدا شعرها، ترانه‌ها و داستان‌های بسیار گفته شده است. مهروماه نیز برای خود داستان‌های شیرین یلدایی دارد. داستان کودکانی که در کنار هم این شب را جشن می‌گیرند. داستان انارهایی که به دست کودکانه دانه دانه می‌شوند و داستان یارانی که تلاش می‌کنند این شب را به جشنی برای همه خانواده‌ها تبدیل کنند. امسال نیز تلاش کردیم با تهیه بسته‌های یلدایی و هدایایی کوچک، خنده را به لب‌های کودکان و خانواده‌های مهروماه تقدیم کنیم.



در آستانه بهار: شرایط کرونا و تشدید وضعیت سخت اقتصادی بسیاری از خانوارها را در سال ۱۳۹۹ با محرومیت‌های جدی همراه کرد. محرومیت‌هایی که رنگ و بوی شادی را در آستانه سال ۱۴۰۰ کم‌رنگ‌تر می‌کرد. ما تلاش کردیم در کنار هم برای خانواده مهروماه روزهای بهتری را رقم بزنیم. اهدای بسته‌های عیدانه تلاشی بود برای بازگرداندن لبخند به لب‌های کودکانمان



آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به فردا در دلشان زنده شده است



۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵



۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴



mehromah.ngo



@mehromahngo



www.mehr-o-mah.com



mehromah.far@gmail.com

تهران - اتوبان یادگار امام شمال - خیابان
ایشانگران شمالی - خیابان امام زاده داوود
کوچه عمویی - پلاک ۴